



۲۰۲۱/۳/۷

کاندید اکادمیسین سیستانی

چگونه میتوان مقام زن را در جامعه ارتقا بخشید؟

[۸ مارچ روز بین المللی همبستگی زنان را به همه زنان مظلوم میهنم تبریک میگویم]

زنان بیش از پنجاه درصد نفوس کشور ما را تشکیل میدهند و بزرگترین و مؤثرترین کاری که باید به نفع این طبقه عظیم انجام داده شود، اینست که حکومت باید نه تنها زمینه تعلیم و فراگیری علم را برای شان فراهم کند بلکه در نصاب تعلیمی مکاتب، مضمونی بنام «نقش زن در جامعه» علاوه کند که در آن در مورد حقوق زنان و احترام به آنها به عنوان مادر و خواهر و تربیت کننده مردان و زنان کار آمد آینده کشور، مثل داکتر، انجنیر، سیاستمدار، حقوق دان، فیلسوف، تکنیک گران ماهر و ورزیده، فضانوردان و پیشوایان مذهبی و سیاسی و غیره، نقش شان در ترقی و رشد جامعه برجسته شده باشد.

تعمیم سواد و تحصیل در رشد آگاهی زنان و مردان بسیار موثر است و میتواند در آینده ثمره یک چنین برنامه های ملی را دید و لمس کرد. بدون تعمیم تعلیم و تحصیل زنان، زنان به هیچ خواسته بجا و معقول خود رسیده نمیتوانند.



اینست وضع زنان در حکومت پسا طالبان

زنان روستائی، با کمیتی در حدود ۶۵-۷۰٪ در بیرون از شهرها زندگی میکنند که از کمترین حقوق انسانی خود برخوردار استند. اما زنان شهری کمیتی در حدود ۳۰-۳۵٪ را میسازند که بیشتر شان از تعلیم و تحصیل در مراکز آموزشی متوسط و عالی برخوردار استند. معلومدار اکثریت زنان تحصیل کرده مشغول کار رسمی و درآمدی اند. درآمد مشروع قدر و قیمت و ارزش زن را در خانواده ارتقا میدهد و اعضای خانواده به سخن چنین زنانی شاغل گوش مینهند و از وی حرف شنوی دارند ولی زنانی که تعلیم و تحصیل نکرده اند و درآمدی ندارند و وقت خود را بیشتر صرف اشپزی و اتاق خواب مرد میکنند، قدر و احترام کمتری نسبت زنان شاغل دارند.

علاوتاً زنان با سواد و تحصیل کرده در شهرها میتوانند در خدمات اجتماعی از قبیل معلمی و طبابت و پرستاری و روزنامه نگاری، نطافی و گویندگی و خیاطی و نقاشی و هنرهای تجسمی و موسیقی و آواز خوانی و سهمگیری در نیروهای امنیتی وارد و پولیس و تجارت و امثال آن جذب شوند و در رفع نیازمندی خانواده خود

د پانو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

موثر واقع گردند. امروز با تنها درآمد مرد هیچ خانواده‌ی نمی‌تواند بار زندگی را بدوش بکشد و از عهده تربیت و پرورش بهتر اطفال خود بدراید. بنابراین نمیتوان بدون کمک و همکاری زن در تقویت اقتصاد خانواده از یک زندگی نسبتاً مرفه برخوردار شد.

به این دلیل و دلایل دیگر اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و سیاسی زنان تحصیل کرده شهری می‌توانند با استفاده از مزایای قانون اساسی و قانون مطبوعات و آزادی بیان و آزادی تجمعات مسالمت آمیز، بر دولت فشار وارد کنند تا سهم مشارکت زنان را در امور خدمات عامه، مثل، تعلیم و تربیت، مطبوعات، تحصیلات عالی، رسانه های جمعی، قضا و عدلیه، سارنوالی، پارلمان، صحت عامه، پولیس، اردو، طبابت، نرس قابلیت، شهرداری و تجارت و موسسات تولیدی ارتقا ببخشند.

دولت مکلف است تا از حقوق زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه، برای رشد و ترقی کشور حمایت و پشتیبانی نماید. واضح است که بدون حمایت دولت، زنان نمیتوانند به خواسته های مشروع و قانونی و مدنی خود برسند. بسیاری از حقوق مدنی زنان در قانون اساسی و سایر لوایح کشور تسجیل و تثبیت شده است، فقط یک حکومت با اراده و قاطع بکاراست تا از حقوقی که در قانون اساسی افغانستان و سایر قوانین متممه برای زنان در نظر گرفته شده، حمایت کند که در واقع حمایت از قانون پنداشته میشود.

تلاش زنان از طریق سازمانهای مدافع حقوق زنان، در سالهای گذشته منجر به انعطاف قدرت سیاسی در برابر مطالبات زنان شده است. در طی همین سالها در هرم قدرت افغانستان سه نفر از ۲۶ وزیر کابینه زن بودند. همین طور از ۲۴۹ کرسی در پارلمان ۶۷ کرسی به زنان تعلق دارد و در بین ۱۰۲ سناتور، ۲۷ نفرشان زن هستند. گفته می‌شود ۳۰ درصد کارمندان دولت نیز زن می باشند. آمارهای کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان نشان می دهد حدود ۳۵ درصد از کسانی که در انتخابات سالهای گذشته ثبت نام کرده بودند، زنان بودند. تاثیر آراء زنان برای هر یک از نامزدان ریاست جمهوری سرنوشت ساز میباشد.

در کشورهای پیشرفته جهان، زن به عنوان همسر و مکمل زندگی مرد در تشکیل خانواده و اعمار یک جامعه مرفه به دیده قدرنگریسته میشود، مگر در جامعه ما و در کل در جوامع اسلامی حقوق و حیثیت زن پائین تر از مرد قرار دارد.

مواد اول، دوم و هفتم اعلامیه جهانی حقوق حکم میکند که: تمام افراد بشر با شأن و حقوق برابر به دنیا می آیند، هرکس بدون هیچگونه تبعیضی به ویژه از حیث جنس از تمام حقوق و آزادیها برخوردار است. همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون هیچ گونه تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند. حال آنکه در کشورهای اسلامی زنان با شأن و حقوق برابر با مردان به شمار نمی آیند. در بسیاری از احکام شرعی زنان با تبعیض حقوقی مواجه اند.

در افغانستان، سنگ بزرگ در پیش پای حقوق زنان، روحانیت متنفذ است که هرگامی که برای بهبود وضعیت حقوقی زنان برداشته شود، با مخالفت و لجاجت آنها روبرو میگردد. به سخن دیگر، وقتی پای منع نکاح صغیر با مردان مسن و یا منع تعدد زوجات به میان بیاید و شما بخواهید این مسئله را بر مبنای دیدگاه معاصر و با پیروی از منشور جهانی حقوق بشر منع قرار بدهید، فوراً روحانیت متنفذ آنرا مغایر با احکام شریعت و انمود کرده، شما را به کفر متهم میکند و مانع تعمیم نیت تجدد طلبانه شما به نفع زنان کشور میشود. چنانکه شاه امان الله را در لویه جرگه ۱۹۲۴ حضرت شوربازار و پیروانش مجبور ساختند تا بخاطر رعایت حجاب اسلامی از تحصیل دختران بعد از سن ۷ سالگی صرف نظر کنند. و شاه که میدانست دست سکر بارار در شورش ملای لنگ درخویت دخزل

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنی د ليکنيزی بنی پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولی

است عجلتن این پیشنهاد روحانیت متنفذ را پذیرفت.

مصیبت دیگری که بازم بلا جان زنان شده و میشود، اینست که روحانیت اسلام سیاسی، بیش از گذشته در دستگاه دولت نفوذ کرده و دولت را مجبور ساخته تا به هریک از منسوبین این قشر مفت خوار، معاش و حقوق دو برابر یک مامور تحصیل کرده بپردازد، بدون آنکه از آنها توقع کاری به نفع جامعه داشته باشد. در گذشته، مثلاً در دوران سلطنت ظاهرشاه و جمهوریت داودخان، ملا و مولوی در روستا، از طریق گرفتن عشر و زکوة و پول اقساط مرده ها ارتزاق میکرد، و دولت به آنها کدام معاشی نمی پرداخت، بنابراین ملا و مولوی از ملک و ارباب ده و حکام دولت حرف شنوی داشت، ولی بعد از سقوط جمهوریت داودخان، ملایان و خطیبان و مولویها مورد توجه دولت قرار گرفتند و از طریق تشکیلاتی بنام وزارت حج و اوقاف و شورای علمای افغانستان، تقریباً همه معاش بگیر دولت شدند و دیگر به ارباب و ملک ده چندان باز و بند نیستند.

یک کارمند دولت که ۱۲ یا ۱۶ سال و یا بیشتر از آن بطور منظم پشت میز درس نشسته و بعد از گرفتن شهادتنامه به کاری گماشته شده، مجبور است وظایفش را بخوبی و به موقع انجام دهد و اگر بدرستی انجام ندهد نمیتواند برای ترفیع خود از سوی آمرین مافوق سبج درست بگیرد، بنابراین مجبور است تا به امر خود اطاعت داشته، دسپلین پذیر باشد، ولی ملا که نه به درستی درس خوانده، و نه سبج ترفیع دارد و نه دولت بردوش او کاری گذاشته است، خود را نزد هیچ کسی مسئول نمی داند، و معاشی که از خزانه دولت بنامش حواله میشود، آنرا حق الزحمه در عوض نمازی میداند که بدون آنهم مکلف به ادای آن میباشد، اما اکنون که از دولت معاش میگیرد، و از بند سیاست دولت نیست، و حتی میتواند دولت را در اجرای برخی از سیاستها به مخالفت دستاوردینی متهم کند. از اینست که در افغانستان، دولت های که بعد از سقوط داودخان رویکار آمدند با طبقه روحانی بسیار با احتیاط رفتار کرده و هر فیصله و پیشنهادی که آنها بکنند، دولت با سر و چشم قبول میکند. در اوایل مارچ ۲۰۱۴ شورای علمای افغانستان، تحصیل زنان را در صنوف درس مردان در پوهنتونها و کار زنان را در فاطر در پهلو مردان حتی در پارلمان ممنوع اعلام کردند و رئیس جمهور کرزی به این پیشنهاد آنها لبیک گفت و کف زد.

برخی از ملایان از منبر خطابه مردانی را که زنان و دختران شان در بیرون از خانه پامیگذارند، دیوث خطاب میکنند. این نوع بیانات که توهین صریح به عموم مردان و زنان است، با اعتراض کسی روبرو نمیشود. معنی این دشنام و توهین ملا اینست که باید دروازه های مکاتب و مدارس و پوهنتونها بروی زنان و دختران بسته گردد. جای تاسف است که هیچ یک از مقامات مسئول دولتی جلو یاهه گونی چنین ملاحی را با کسر معاش نمیگیرد. آیا با چنین تبلیغاتی زنان میتوانند به حقوق انسانی خود دست یابند؟ هرگز. در چنین وضعیتی زنان می باید صدای اعتراض خود را بلند کنند و از دولت بخواهند تا جلو زهرپاشی ملاحی ساخت مدرسه های دیوبندی را بگیرد.

زنان می باید همواره در هنگام انتخابات برای تعیین رئیس جمهوری، از کاندیدی حمایت کنند، که آن کاندید به زن و حقوق زن و منشور جهانی حقوق بشر باور داشته باشد، به کسی رأی بدهند تا در آینده از وی توقع انجام کارهای مفید به نفع حقوق زنان داشته باشند. تلاش صورت بگیرد تا زنان در اتحادیه ها و انجمن های فرهنگی، سیاسی، حقوقی و صنفی و حتی انجمن حمایت از مادران، یا انجمن دکترین زن، انجمن نرس قابله ها و انجمن دفاع از قانون منع خشونت علیه زنان، و غیره متشکل شوند، زیرا این تشکل ها میتواند به همبستگی زنان در سراسر کشور بیاتجامد و از این طریق در مواقع لزوم دست به اعتراضات مدنی به نفع حقوق زنان بزنند و دولت را متوجه خواسته ها و نیازهای حقوقی زنان بنماید.

پایان ۷ مارچ ۲۰۲۱

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ